

کودک همسری، آسیب اجتماعی زیان بار در خانواده‌های امروز ما

الهام کرمان^۱، زهرا احمد اوغلی زرنق^۲، آیلین وکیلی^۳، زهرا بیانی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان (پردیس فاطمه الزهراى تبریز) (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان (پردیس فاطمه الزهراى تبریز)

^۳ دانشجوی کارشناسی امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان (پردیس فاطمه الزهراى تبریز)

^۴ دانشجوی کارشناسی امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان (پردیس فاطمه الزهراى تبریز)

چکیده

ازدواج کودکان یا کودک همسری نوعی ازدواج رسمی یا غیررسمی است که در آن فرد پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی وارد پیمان زناشویی می‌شود. البته کودک همسری از زمان‌های بسیار دور در اغلب جوامع رواج داشته است. امروزه علی‌رغم آگاهی بخشی‌های صورت گرفته، متأسفانه شاهد ازدواج در سنین کم در خانواده‌ها هستیم. ازدواج در سنین کم علاوه بر تأثیرات اجتماعی و اقتصادی، تأثیرات فراوانی بر فرد از لحاظ عاطفه و روحی-روانی دارد. می‌دانیم کودک همسری از عوامل متعدد و شرایط اقتصادی و اجتماعی و تمایلات افراد پدید می‌آید امید است با آگاهی بخشی در آینده شاهد کودک همسری نباشیم تا جوانان با اختیار و آگاهی کامل برای زندگی و شرایط آینده خود تصمیم بگیرند. پرواضح است که ازدواج در سنین پایین مشکلات بسیاری را برای کودک و جامعه ایجاد خواهد کرد و با افزایش آسیب‌های جسمی و روانی همراه خواهد بود. هدف از این مطالعه، آگاهی بخشی قبح مسئله به گروه هدف و باز نمود آسیب‌های جبران‌ناپذیر ناشی از این امر نامبارک در جامعه است که رواج صعودی پدیده کودک همسری و آسیب‌های عدیده آن در جامعه مشهود است. این مقاله به روش کتابخانه‌ای-توصیفی بوده و با مراجعه به منابع معتبر، فیش‌برداری و تنظیم گردید.

واژه‌های کلیدی: کودک، تأثیرات، آسیب‌ها، ازدواج زودرس

مقدمه

با وجود تغییراتی که در چند دهه اخیر در الگوهای ازدواج صورت گرفته است و به نظر می رسد براساس آن سن ازدواج در جهان بالا می رود، هنوز شاهد وقوع ازدواج هایی در سنین کودکی و پایین تر از سن قانونی نیز هستیم .

ازدواج کودکان یا کودک همسری نوعی ازدواج رسمی یا غیررسمی است که در آن فرد قبل از رسیدن به هجده سالگی یا حتی گاهی قبل رسیدن به بلوغ وارد پیمان زناشویی می شود. کودک همسری فارغ از جنسیت هم در مورد کودکان دختر و هم کودکان پسر به کار می رود که با مردان و زنان بزرگسال یا به اجبار حاصل از سنت های قومی یا مشکلات اقتصادی اجتماعی خانواده ازدواج می کنند .

با توجه به این که نکاح دختران قبل از ۱۵ سال تمام و پسران قبل از ۱۸ سال تمام در قانون مورد توجه قرار گرفته است در عرف جامعه مسلمانان به کودک همسری مشهور و معروف شده است. در برخی جوامع اعتقادات عرفی و فرهنگی درباره زنان و دختران آن است که به محض رسیدن آنان به سن بلوغ و حتی در بعضی موارد قبل از رسیدن به سن بلوغ باید آنها را شوهر داد. خام پسندی و نوجویی باعث می شود مردان در همسرگزینی به دنبال دختران کوچک و بی تجربه و کم سن و سال بروند و این امر باعث رواج کودک همسری در بین دختران جوان و افزایش فاصله سنی زن و شوهر در برخی مناطق است..

علل کودک همسری در جوامع امروزی

۱- بلوغ جنسی زودرس

بلوغ زودرس به ظاهر شدن زود هنگام علائم جنسی، هورمونی و رفتاری گفته می شود. برخی افراد به خاطر ویژگی جسمانی و ظاهر فیزیکی شان همیشه به وسیله دیگران بزرگتر از سن واقعی شناخته می شوند. این مسئله روی طرز رفتار، گفتار و پوشش آنها تاثیر گذاشته و باعث شده در تعامل و ارتباط با افراد و موضوعاتی باشند که منجر به بلوغ زودرس جنسی آنها شده است. در آغاز بلوغ، علاقه به جنس مخالف به عنوان یک نشانه طبیعی در دختران پدیدار می شود و هیجان های گوناگونی را در وجود نوجوان برمی انگیزد. این کشش تند که برآیند بیداری میل جنسی و رشد عاطفی است، باعث می شود بعضی از آنان به افرادی از جنس مخالف نزدیک شده و دور از چشم والدین با یکدیگر به گفت و گوهای صمیمانه بپردازند یا قرارهای عاشقانه بگذارند.

۲- موقعیت زندگی

ترس از بی آبرویی به خاطر حرف مردم، ترس از نگاه ها و مزاحمت جوان های محله، ترس از تنبیه از طرف خانواده، در برخی موارد مشوق برای رغبت به ازدواج زودرس بدل شده است. زمانی که رفتار افراد تحت نظارت شدید محیط اطراف است به ویژه زمانی که تفکر و در نتیجه رفتار اطرافیان به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر وضعیت زندگی افراد تاثیر می گذارد، تلاش برای فرار از اعمالی که قبح اجتماعی دارد یکی از عوامل سوق دهنده و زمینه ساز برای ازدواج های زود هنگام است.

۳- مردسالاری

در خانواده مردسالار، اساس مدیریت و رهبری بر عهده یک یا چند مرد است. جنس مذکر به عنوان سرپرست و تصمیم گیرنده خانواده است. مرد سالاری به عنوان عامل زمینه ساز ازدواج های زیر سن قانونی بسیار تاثیر گذار است. اذیت کردن، ندادن اختیار،

محدود بودن حتی در ارتباط با دوستان و اجبار از سوی افراد مذکر خانواده، مشوق دختران برای ازدواج جهت فرار از کنترل خانواده، دخالت برادران در زندگی خواهران و رهایی از جو مردسالار خانواده که از سوی پدر یا برادران اعمال می‌شود است.

۴- عوامل اقتصادی

رسیدن به امکانات مالی بیشتر در زندگی، بهره‌مندی از حمایت مالی خانواده همسر، شرایط مناسب خواستگار و فرار از فشار مالی در خانواده پدری، مواردی است که نقش عوامل اقتصادی را نشان می‌دهد.

۵- باور ها و اعتقادات عرفی

در فرهنگ هر منطقه در مورد مسائل مختلف، عقاید خاصی رایج است که با تکرار در نسل‌ها، به صورت باورها و به دنبال آن رفتارهای ناشی از آن به صورت هنجارهای عرفی بایسته در جامعه رواج می‌یابد. هر چند که در گذر سال‌ها و حرکت به سوی مدرنیسم بخشی از این اعتقادات ممکن است رنگ ببازد. ضرب المثلی که می‌گوید «عقد دختر عمو و پسر عمو در آسمان‌ها بسته شده است» از جمله این اعتقادات است.

۶- تصورات خام از ازدواج

دختران به کمک تار و پود خیال برای خود دنیای رویایی می‌سازند. محتوای این گونه رویاپردازی‌ها بر حسب علایق نوجوانان و محیط تربیتی شان متفاوت است؛ گاهی دختران نوجوان به خاطر تنگناهای زندگی و زورگویی‌های مردان در خانواده، آن چنان محبوس رویا و تخیل اند که تخیل برایشان از واقعیت، واقعی‌تر می‌شود چنانکه زندگی واقعی را با خاله بازی کودکانه شان همانند می‌دانند یا با طرز فکر کودکانه خود مثل قهر کردن و فرار از خانواده متوصل شده که منجر به کودک همسری می‌شود.

تاثیرات ناپسند و ویرانگر کودک همسری

۱- ناتمام ماندن دوران کودکی

جدا شدن از دنیای کودکی و به طور ناگهانی ورود دنیای بزرگسالی و زناشویی شدن از بزرگترین آسیب‌های کودک همسری می‌باشد. طبق نظریه رشد روانی _ اجتماعی اریکسون رشد ۸ مرحله دارد و در هر مرحله شخصیت فرد رشد می‌کند و تکامل پیدا می‌کند؛ اگر مرحله ای به خوبی پشت سر گذاشته شود فرد احساس تسلط می‌کند و اگر خلاف آن صورت بگیرد حس بی‌کفایتی و ضعف در فرد غالب می‌شود. ازدواج کودک که همراه ورود کودک به مرحله نوجوانی است، سبب می‌شود که کودک بدون آنکه بتواند هویت خود را کشف کند وارد مرحله بعدی یعنی بزرگسالی شود و این عدم شناخت هویت، منجر به عدم اطمینان نسبت به باورها و تمایلات فرد می‌شود و در زندگی جدید هم ادامه پیدا می‌کند. بدین ترتیب دوره کودکی و نوجوانی ناتمام می‌ماند و کودک با دنیایی از نیازها و انتظارات برآورده نشده به زندگی زناشویی وارد می‌شود. از طرفی کودک از فضای کودکی دور می‌شود و ازدواج سبب جدایی او از خانواده، دوستان و از دست دادن حمایت مستقیم آنان می‌گردد. همچنین عدم تعامل با همسالان و دور شدن از فضای اجتماع را به همراه دارد و ثمره آن از دست دادن فرصت‌های رشد و تکامل فردی است و این‌گونه ازدواج‌ها به سرانجام نمی‌رسد.

۲- ترک تحصیل

تحصیلات از آن جهت اهمیت دارد که آموزش‌هایی را هر چند ناقص در خصوص زندگی و کسب مهارت به فرد منتقل می‌کند و از طرفی داشتن تحصیلات می‌تواند به عنوان یک نقطه قوت و پشتوانه برای کودک محسوب گردد. اما متأسفانه پدیده ازدواج زودروس عمل شایع و موثری در محرومیت از تحصیل و آموزش به شمار می‌رود. آموزش مطلوب به رشد دانش و مهارت‌ها، توانایی اعتماد به نفس و لذت بردن از ارتباطات مثبت و سالم و در نهایت یک انتخاب آگاهانه کمک می‌کند. میان ازدواج زودرس و تحصیلات پایین یک ارتباط دوسویه وجود دارد، به گونه‌ای که پس از ازدواج، دسترسی دختران به آموزش رسمی و غیررسمی به دلیل مسئولیت خانوادگی، زایمان و نگهداری کودک و محدود می‌شود.

۳- عدم حق انتخاب

نداشتن قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری از همان ابتدا در زندگی کودک همسری وجود دارد و با گذر زمان افزایش می‌یابد. ترس و مطیع بودن و واگذاری حق تصمیم‌گیری به مرد، در وجود کودک تثبیت می‌شود. کودک همسری همچنین باعث دخالت‌های اطرافیان و خانواده می‌شود زیرا طرفین را کودک و فاقد تصمیم‌گیری مناسب می‌شمارند.

۴- نارضایتی زناشویی

نارضایتی زناشویی در تمام ابعاد زندگی تاثیر خود را می‌گذارد و بیزاری طرفین از همدیگر را به دنبال دارد. در غالب مواقع، این نفرت موجب خیانت می‌شود. مرد همسرش را در رابطه همراه نمی‌بیند و زن نیز که از ابتدا با بی‌میلی تن به رابطه‌ای یک طبقه داده است و خشونت‌های مکرر جنسی، نفرت را در یک دیگر تثبیت می‌کنند. البته گفتنی است که خیانت در ازدواج کودکان در یک عامل نیست. ازدواج بدون رضایت، عدم انتخاب آگاهانه کودک، عدم ارتباط کلامی و غیرکلامی مناسب و عدم حمایت همسر باعث نارضایتی زناشویی و در بیشتر موارد منجر به جدایی می‌شود.

۵- خشونت جنسی

اگر خشونت جنسی را با عدم آگاهی و آمادگی فرد مقابل در روابط جنسی در ارتباط مستقیم بدانیم، در ازدواج کودکان، احتمال بالایی از آزار و خشونت جنسی وجود دارد. کودکی که از حداقل سن برای قبول آگاهانه و داوطلبانه مقاربت جنسی برخوردار نباشد و با عدم آموزش و آمادگی تن به رابطه دهد، به سبب تجربه دردناکی که از نخستین رابطه پس از نکاح دارد که معمولاً با خشونت همراه است به نارضایتی زناشویی حتی در رابطه‌های مکرر بعدی می‌رسد تا جایی که رابطه جنسی را نوعی شکنجه می‌داند.

۶- عدم مدیریت خانواده

خانواده به عنوان واحد اجتماعی کوچک نیازمند مدیر و راهبر است تا از هرج و مرج در آن جلوگیری شود در صورتی که پسر دارای سن حداقلی برای تشکیل زندگی باشد، به دلیل عدم مهارت در ارتباط موفق با همسر و نداشتن بلوغ کافی عقلی، توانایی حل مشکلات را نخواهد داشت. عدم رشد اقتصادی نیز یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها برای مرد در زندگی است که منجر به مشکلات اقتصادی در خانواده می‌شود.

۷- خشونت فیزیکی

یکی دیگر از آسیب‌های احتمالی جسمی، خشونت فیزیکی شوهر است. کودک در سنین پایین وارد زندگی جدید می‌شود که تکالیفی را بر او بار می‌کند، اما ناتوانی او و عدم انجام مسئولیت‌های زندگی مشترک با خشونت و ضرب و شتم شوهر همراه است.

۸- آسیب‌های روانی و عاطفی

در ازدواج‌های نابه‌هنگام و کودک-همسری، بروز بیماری‌های روحی و روانی است که تمایل به خودکشی را در فرد افزایش می‌دهد و معمولاً پاسخی در مقابل خشونت همسر است. فرار از منزل نیز به عنوان پیامدی دیگر از ازدواج کودکان شناخته شده است. کودکان به دلیل عدم تحمل شرایط نابرابر و ناتوانی در قدرت حل مشکلات، معمولاً فرار از خانه، خودکشی و یا کشتن همسر را انتخاب می‌کنند که بیشتر چنین اعمالی در زنانی مشهود است که با فقر مالی، بدون دارا بودن توانایی‌های آموزشی و مهارتی و عدم توازن قدرت، حمایت قانون و دیگر افراد را برای خود نمی‌یابند و دست به چنین اقداماتی می‌زنند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

از مهم‌ترین کارکردهای هر ازدواج موفق، ایجاد نهاد خانواده به شکلی رسمی است اما در این میان، ازدواج با احساسات کودکانه و نیازهای عاطفی و تصورات ابتدایی زوجین که با مسئله ازدواج و کارکردهای آن گره خورده است تازه مشکلات آغاز می‌شود. بلوغ زودرس نوعی تمایل به خودنمایی به وجود می‌آورد؛ فرد می‌خواهد در جمع مطرح شود و توانایی هایش را به ویژه توانایی‌های جنسی‌اش را پررنگ کند، فرد می‌خواهد به هر طریق به ابراز رشد و بلوغ خود، کاستی‌ها و تمایلات خود را جبران نماید.

پدیده ازدواج زودهنگام کودکان از انواع ازدواجی می‌باشد که حداقل یکی از طرفین کمتر از هجده سال داشته باشد. نکاح نیاز به آمادگی و بلوغ جسمانی و فکری طرفین دارد. ازدواج کودکان هویت آنها را مخدوش ساخته و ایشان را به غلط بزرگسال می‌دهد، با قرار دادن بچه‌ها در نقش بزرگسالان، کودک همسری تغییراتی را در نسل‌های حال و آینده تحمیل می‌کند، تبعیض و ظلم بر مبنای جنسیت به حوزه تفکر گروهی نفوذ کرده و به نسل بعد منتقل می‌شود. سطوح بالای استرس‌های جسمی از دیگر پیامدهای کودک همسری است که طرفین به تلخی آن را تجربه می‌کنند.

از آنجایی که بنای سعادتمندی و تکامل در اسلام از مسیر خانواده می‌گذرد به گونه‌ای که در فرهنگ اسلامی برای امر ازدواج احکام و توصیه‌های فراوانی وجود دارد. یکی از مسائل چالش برانگیز در حوزه خانواده پدیده کودک همسری است یعنی دختر و پسری که به بلوغ کامل نرسیده‌اند، ازدواج می‌کنند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری کتابخانه‌ای-استنادی و سطح تحلیل تحلیل محتوا به دنبال پاسخ به این سؤال است که کودک همسری در آیینه قرآن، روایات و تاریخ چگونه ارزیابی می‌شود؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که از منظر قرآن، آیه ۴ سوره طلاق و آیه ۳۲ سوره نور دلالت بر کودک همسری ندارد و براساس سیاق مراد آیات، امر ازدواج افرادی است که شایستگی و آمادگی ازدواج دارند و رشید هستند. همچنین این مقوله با لوازم قرآنی نکاح در تعارض است. در روایات به مفسده کودک همسری اشاره شده است و روایات کودک همسری براساس اصول فقه‌الحديث با قاعده لا ضرر و لا حرج که هر دو ناظر بر احکام اولیه است حتی به فرض صحت و دلالت احادیث، در این مسئله محدود می‌شود. سن عایشه را باید در گفتمان افتخار قبیله‌ای، رقابت بین همسران فهمید که باز تولید عناصر فرهنگ جاهلی در حوزه خانواده و نگاه به زن است.

منابع

آزادی، کمیل (۱۳۹۹) کودک-همسری، بررسی فقهی، حقوقی تهران: آرون

غلامی، مرجان (۱۳۹۹) کودک-همسری از دیدگاه فقه اسلامی، قم: آراسته

غنی‌زاده، مهدیه (۱۴۰۰) کودک-همسری، تهران: تفکر آینده‌ساز